

Journal of Resistance Literature
Faculty of Literature and Humanities
Shahid Bahonar University of Kerman
Year ۱۰, No ۱۹, Autumn and Winter ۲۰۱۸-۲۰۱۹

**The Moral and Behavioral Portrayal of Martyr Hassan Bagheri in
'Haft Band Eltehab' by Moshfegh Kashani**

Abbas Mohammadian^۱
Reyhaneh Sadeqi^۲

Abstract

Introducing martyrs as the most effective and concrete models by means of art, literature and through poetic lens will be an admirable and even more impressive endeavor for the enrichment and expansion of the thought and culture of society, if not exaggerated, and this helps all the people, particularly teenagers and adults, to consciously take them as their religious, epic, and national role models, and consequently, avoid adhering to non-native and counter-cultural symbols. Using a descriptive-analytical method and focusing on *Haft Band Eltehab* by Moshfegh Kashani (۱۹۲۶-۲۰۱۵), The present research aims at representing and explaining martyr Hassan Bagheri's (۱۹۰۶-۱۹۸۳) morals, behaviors and conducts, from the poet's viewpoint. The poet's attention to the historical and realistic expression of the soldier's life, due to the interrelationship between these two categories in discourse and also the realization of spiritual aims in the ups and downs of life have been considered. The conclusive gist of the paper shows that Moshfegh Kashani, though relying on the documentary report of the events based on linear narrative, adds a color of mysticism and spirituality to his language, thus his language remains safe from the monotonous historical narration. Moshfegh Kashani, however, tries to highlight the ethical and spiritual aspects of martyr Bagheri's portrayal, so that the readers are attracted by the martyr's character selecting him as a God seeker model for managing their lives.

Keywords: Moshfegh Kashani, *Haft Band Eltehab* narrative poem, Martyr Hassan Bagheri, Biography, Morality and spirituality

^۱. Associate Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University (Corresponding Author), Email: mohammadian@hsu.ac.ir

^۲. PhD Student of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Email: roohafza۹۰@yahoo.com

Date Received: ۱۱. ۰۳. ۲۰۱۸

Date Accepted: ۱۰. ۰۵. ۲۰۱۸

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

سیمای اخلاقی و رفتاری شهید حسن باقری در آینه «هفت بند التهاب» مشفق کاشانی
(علمی-پژوهشی)

دکتر عباس محمدیان^۱
ریحانه صادقی^۲

چکیده

معرفی شهدا به عنوان الگوهای عینی و تأثیرگذار با ابزار هنر و ادبیات و با نگاه شاعرانه، اما به دور از اغراق برای رشد و ارتقای فکر و فرهنگ جامعه، تحسین برانگیز و بلکه تأثیرگذارتر خواهد بود تا همه افراد، به خصوص نوجوانان و جوانان، آگاهانه آنان را به عنوان الگویی دینی، حماسی و ملی سرمشق زندگی خویش قرار دهند و از اقبال به نمادهای غیربومی یا ضدفرهنگی بپرهیزند. در پژوهش حاضر بر آنیم تا با روش تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر منظومه «هفت بند التهاب» مشفق کاشانی (۱۳۰۴-۱۳۹۳ش)، به چگونگی و تبیین سیره اخلاقی، عملی و رفتاری شهید حسن باقری (۱۳۶۱-۱۳۳۴ش) از منظر شاعر دست یابیم. با این حال، توجه شاعر به بیان تاریخی و واقع‌گرایانه زندگی رزمنده به دلیل پیوند این دو مقوله در بافت کلام و نیز، عینیت‌بخشی و تحقق اهداف معرفتی در فراز و نشیب زندگی دور از نظر نمانده‌است. برآیند تحقیق آن است که مشفق کاشانی در عین التزام به گزارش وقایع مستند بر مبنای روایت خطی به سخن خود رنگ معنویت و عرفان نیز می‌بخشد و بدین گونه کلام وی از بیان یکنواخت گونه تاریخی برحذر می‌ماند؛ با وجود این، آنچه از سیمای شهید باقری در شعر مشفق کاشانی بازتاب بیشتری دارد، رویکرد شاعر به جنبه‌های اخلاقی و معرفتی شهید است؛ به طوری که مخاطب جذب شخصیت رزمنده می‌شود و او را به عنوان اسوه‌ای خداجوی در جهت‌بخشی به زندگانی خویش برمی‌گزیند.

^۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول: mohammadian@hsu.ac.ir)

^۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری roohafza90@yahoo.com

تاریخ پذیرش نهایی: ۲۰-۲-۱۳۹۷

تاریخ دریافت مقاله: ۲۰-۱۱-۱۳۹۶

واژه‌های کلیدی: مشفق کاشانی، منظومۀ هفت‌بند التهاب، شهید حسن باقری، زندگی‌نامه، اخلاق و معرفت.

۱- مقدمه

شاعران دفاع مقدّس با پشتوانۀ فرهنگ غنی اسلام و با حضور آگاهانۀ خویش در جامعه با تبیین ایثارگری‌ها و رشادت‌های حماسه‌سازان کشور خود از شهدا به‌عنوان الگوهای ممتاز یاد می‌کنند و روحیۀ آگاهی و تلاش و تکاپوی عقلانی را در بین مخاطبان در نگاهی دین‌مدارانه می‌گسترانند و جامعه را در نیل به آرمان‌های اصیل اسلامی شتاب می‌بخشند؛ از این روی، شاعر دفاع مقدّس رسالتی مهم بر دوش خواهد داشت؛ زیرا مؤلفه‌های فرهنگی و ارزشی جامعه را در قالب شعر و داستان و نظم و نثر ترسیم می‌کند و عظمت‌ها و ظرافت‌های آن فرهنگ عزّت‌آفرین ایثار و شهامت و شهادت را ماندگار و هنر و حماسه را خلق می‌کند (بیان معمار، ۱۳۸۹: ۸۴).

غلامحسین افشردی در سال ۱۳۳۴ در تهران به دنیا آمد. او از نوجوانی به فراگیری علوم دینی علاقه‌مند بود. پس از اخذ دیپلم ریاضی در رشته دایم‌روزی وارد دانشگاه ارومیه شد؛ اما در پی فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی از دانشگاه اخراج گردید. پس از انقلاب خردادماه ۱۳۵۸، دیپلم ادبی گرفت و در رشته حقوق قضایی دانشگاه تهران به تحصیل ادامه داد. غلامحسین در دانشگاه، نقش مؤثری در مقابله با توطئه‌های ضد انقلاب ایفا کرد. این بار نیز تحصیل را رها کرد و به جهاد سازندگی پیوست. وی در روزنامۀ «جمهوری» به حرفۀ خبرنگاری مشغول گردید. در سال ۱۳۵۹ وارد واحد اطلاعات سپاه پاسداران شد. (بختیاری‌دانشور، ۱۳۸۷: ۸-۹). در این واحد بود که به دلایل سیاسی-امنیتی به نام مستعار (حسن باقری) شهرت یافت. (مخدومی، ۱۳۹۰: ۵۶). با شروع جنگ به جبهه رفت و با وجود حضور کوتاه ۲۸ ماهه خود در جبهه (۵۹/۷/۱ تا ۶۱/۱۱/۹)، (دهقان، ۱۳۹۲: ۷) در مهم‌ترین عملیات‌های دفاع مقدّس؛ از جمله طریق‌القدس و فتح‌المبین به‌عنوان فرمانده حضوری فعال داشت. (بختیاری‌دانشور، ۱۳۸۷: ۸).

باقری سرانجام در نهم بهمن سال ۱۳۶۱ برای شناسایی آغاز عملیات والفجر مقدماتی، عازم منطقه فگه شد که بر اثر اصابت خمپاره به همراه جمعی از رزمندگان به فیض شهادت نایل آمد (خسروی‌راد، ۱۳۷۶: ۲۰).

عباس کی‌منش معروف به «مشفق کاشانی» (۱۳۰۴-۱۳۹۳ش) از شاعران متعهد انقلاب است که علاوه بر شخصیت اخلاقی ممتاز خود، اشعار آیینی و مذهبی خویش را در خدمت اهداف دینی و انقلابی مؤثر به کار می‌گرفت (فرهنگ اسلامی، به نقل از مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳: ۸۸). وی منظومه «هفت‌بند التهاب» را در رثای یکی از سرداران دفاع مقدس، شهید حسن باقری به سال ۱۳۷۵ سروده است.

پژوهش حاضر با تکیه بر منظومه «هفت‌بند التهاب» مشفق کاشانی - که در شمار آثار پس از دوران جنگ جای می‌گیرد - به بررسی سیره اخلاقی و عملی شهید حسن باقری (۱۳۶۱-۱۳۳۴ش) می‌پردازد. با این وصف، توجه شاعر به بیان تاریخی و واقع‌گرایانه زندگی شهید باقری به دلیل پیوند این دو مقوله در بافت کلام و نیز عینیت‌بخشی و تحقق اهداف معرفتی در زندگی رزمنده، مورد پژوهش نویسندگان قرار گرفته است.

۱-۱- بیان مسئله

آشنایی با زندگی‌نامه و شخصیت مردان خدایی، به‌خصوص با ابزار هنر و ادبیات برای زنده نگه داشتن خاطرات دلاورمردان دوران جنگ تحمیلی به منزله معرفی ابعاد وسیع آن، اقدامی بس ارجمند و رسالتی بر عهده اصحاب قلم و رسانه است. در این مقاله در پی آنیم تا به چگونگی و تبیین سیره اخلاقی و عملی شهید حسن باقری با تأکید بر منظومه «هفت‌بند التهاب» مشفق کاشانی به زوایایی از زندگانی این رزمنده دوران جنگ دست یابیم.

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

بیان و بازنمایی سیمای پرفروغ و آسمانی شهدای دفاع مقدّس از نگاه مؤثر ادبی، ولی واقع‌بینانه شاعران و هنرمندان، افزون بر دلالت هم‌سویی و هم‌دلی شاعران به‌عنوان زبان گویای خواسته‌ها، افکار و اندیشه‌های ملت و جامعه خود با اهداف آرمان‌گرایانه رزمجویان میدان نبرد حق بر باطل، می‌تواند در تبیین افق فکری و اتکا به فرهنگ اصیل اسلامی در تقابل با مظاهر ضدفرهنگ بر افراد جامعه به‌خصوص نسل جوان کارساز باشد. بر این پایه، شهدا به‌عنوان الگوهای عینی و اثربخش برای رشد و تعالی جامعه معرفی می‌شوند تا همه افراد، به‌خصوص قشر جوان با شناخت و حفظ هویت دینی و ملی پرافتخار جامعه خود، آگاهانه از اقبال به نمادهای غیربومی یا ضدفرهنگی و غرب‌گرایی پرهیزند.

۱-۳- پیشینه تحقیق

اگرچه توجه به زندگی شهید حسن باقری از دید راویان جنگ و هم‌سنگران وی دور نمانده‌است و نهادهایی در نشر آثار این شهید والامقام مشغول فعالیت هستند؛ اما بررسی زندگی‌نامه شهدا، آن هم در آثار منظوم ادبی کمتر مورد پژوهش بوده‌است. با وجود گذشت سال‌ها از سرودن این منظومه (۱۳۷۵)، آنچه بیشتر مورد توجه بوده، تلاشی است در جهت تبیین ویژگی‌های صوری و ساختاری، نقد یا محتوای بلاغی بخش‌هایی از این اثر به‌عنوان نمونه‌ای از ادبیات پایداری. در این باره می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد:

«تحلیل محتوایی و بلاغی مثنوی‌های سرداران شهید دفاع مقدّس» (مجد، ۱۳۹۳: ۴۰۵-۳۸۵)؛ «دفاع مقدّس در آیینۀ مثنوی‌های انقلاب اسلامی» (پورالخاصی و صادقی، ۱۳۹۲: ۲۶-۱).
«ویژگی‌های سبکی منظومه‌های دفاع مقدّس» (کافی، ۱۳۹۰-۹۱: ۳۸۴-۳۶۳)؛ اما بررسی زندگی‌نامه شهید باقری در این اثر از منظر شاعر، ما را با ظرایف دیگری آشنا می‌سازد که شاید جز از نگاه هنرمندانه نتوان بدان دست یافت.

۲- بحث

۲-۱- درون‌مایه کلی اثر

بنا بر گفته مشفق کاشانی در مقدمه اثر، منظومه «هفت‌بند التهاب» از دو قسمت تشکیل یافته است. بخش اول، نظری دارد بر توحید و هبوط آدم و شرح احوال پیامبران و امامان (ع)، پیکار نور و ظلمت، رشد صهیونیسیم و طلوع ستاره بی‌زوال انقلاب اسلامی به رهبری امام (ره). بخش دوم منظومه نیز، به توصیف هشت سال دفاع مقدس و زندگی پرافتخار شهید حسن باقری اختصاص دارد (مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۸).

باید گفت بن‌مایه کلام در تمام این اثر بر انسان‌محوری و بار امانت و تکلیفی است که از ابتدای خلقت بر عهده آدمی نهاده شده است. این مطلب نکته قابل تأملی است که شاعر در این منظومه آن را مد نظر داشته است و سخن را هنرمندانه و با توجه بر این موضوع پی می‌گیرد. بر این پایه در بخش اول، با گذری بر مجاهدات انبیا و ائمه اطهار (ع)، رشته سخن را تا دوران انقلاب و پس از آن در بخش دوم، به دوران دفاع مقدس و جنگ تحمیلی سوق می‌دهد و سپس با ذکر زندگی‌نامه شهید حسن باقری، از او به‌عنوان یکی از مصادیق بارز این مردان خدایی یاد می‌کند و سرانجام، سخن را با رثایی در هجران این شهید به پایان می‌رساند.

درون‌مایه بخش دوم منظومه به دلیل پرداختن به گوشه‌ای از مسائل مربوط به هشت سال جنگ، در حوزه ادبیات دفاع مقدس قرار می‌گیرد. اهمیت دیگر این بخش، اطلاعات مستند و دقیقی است که در قالب شعر و بر مبنای روایت خطی و گزارش تاریخی از زندگی شهید باقری از ابتدا تا انتها به‌عنوان شخصیت اصلی اثر شکل می‌پذیرد. این گزارشگری نه بر مبنای بازآفرینی یا بازسازی وقایع و حوادث زندگی و نه بر پردازش غیر واقعی شخصیت است؛ بلکه بر پایه واقعیت‌گرایی، آن هم متعهدانه صورت می‌گیرد.

بیش از دویست بیت پایانی این منظومۀ ۶۴۶ بیتی، به زندگی این سردار دلیر اسلام از ولادت تا شهادت اختصاص دارد. دوران تولد و کودکی، نوجوانی و سربازی و نیز مبارزات سیاسی وی قبل و بعد از انقلاب و در عرصۀ جنگ و عملیات‌های مهم و سرنوشت‌سازی چون طریق‌القدس، ثامن‌الائمه و فتح‌المبین از مواردی است که در این منظومه بدان اشاره شده‌است.

۲-۲- بررسی درون‌مایه بخش دوم منظومۀ هفت‌بند التهاب

در بخش دوم اثر، زندگانی شهید باقری از چند منظر تاریخ و حماسه و نیز اخلاق و عرفان قابل بررسی است. این دیدگاه‌ها در اشعار به صورت جداگانه تفکیک نشده‌است و شاعر بنا به اقتضای کلام هر جا ضرورت ایجاب نموده، تاریخ را با حماسه و عشق و عرفان پیوند زده‌است.

مشفق ضمن دقت در گزارش وقایع مستند و روایت تاریخ‌گونه آن در اشعار، به سخن خود رنگ حماسه و معنویت و عرفان نیز می‌بخشد تا کلامش از بیان یکنواخت‌گونه ملالت‌آمیز تاریخی به درآید. با وجود این، آنچه از سیمای شهید باقری در شعر مشفق کاشانی بازتاب بیشتری دارد، پرداختن به سیر و سلوک و جنبه‌های اخلاقی و معرفتی شهید در عین التزام به روایت وقایع است. بر این پایه، پژوهش حاضر نیز به این محورها می‌پردازد.

۲-۲-۱- عشق و محبت به اهل بیت^(ع)

شاعر در آغاز زندگی‌نامه، با عبارت «بشنو از من» داستان و ماجرای زندگی شهید را با قلم و روایت خود پیش روی مخاطب قرار می‌دهد:

بشنو از من گوشه‌ای زان ماجرا داستان آن شهید آشنانا

(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۵۳)

آوردن فعل امر «بشنو» در آغاز بیت، بیانگر اهمیت مسئله است. همان گونه که مولوی (م ۶۷۲) در آغاز نی‌نامهٔ مثنوی با «بشنو از نی» و حکایتی که در پس آن است، از مخاطب خواستار رشد و بالندگی در مسیر انسان شدن است، مشفق کاشانی نیز بدین وسیله با تأثیرپذیری از مولوی بر آن است تا مسیر زندگی یک رزمنده را از ابتدای تولد، تبیین و تشریح نماید و نشان دهد که انسان‌های عادی و خاکی چگونه و با چه عاملی شور و شوق و حرکت به مبدأ نهایی را در وجود خود نهادینه کردند. در عصر خاندان مستبد پهلوی و در فروردین ماه سال ۱۳۳۴ شمسی، مصادف با میلاد امام حسین - علیه السلام - کودکی هفت ماهه به دنیا می‌آید که نام او را «غلامحسین» می‌گذارند (اصلاح پور، ۱۳۷۶: ۱۰؛ خسروی راد، ۱۳۷۶: ۱۵).

در هزار و سیصد و سی و چهار	کاسمان می‌گشت گرد این مدار
عصر، عصر خاندان زور بود	روزها در دام شب مستور بود ...
ناگه از اسفند، فروردین شکفت	غنچه‌ای لبخند زد، نسرین شکفت ...
روز میلاد حسین بن علی	خانه‌شان از نور حق شد منجلی ...
کودکی فرزانه هم‌نام حسین	در غلامی مست از جام حسین
تا ز مادر نم‌نمک پستان گرفت	هفت ماهه کودک ما جان گرفت

(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۵۳-۵۴)

از همان آغاز، رویکرد شاعر به عناصر مذهبی و دینی معلوم است. در این منظومه، «غلامحسین» به دلیل تولد در خانواده‌ای ولایی و مذهبی و سپس قرار گرفتن در طبقهٔ رزمندگان و نیز هم‌سویی کیفیت روانی و اخلاقی وی در کردار و گفتار و به شهادت رسیدن، جزو پروتوتیپ مذهبی به شمار می‌رود.

مشفق کاشانی اوج تحرک و پویایی شهید را در عشق و محبت به اهل بیت (ع) و ولایت‌پذیری می‌داند. این ویژگی از همان اوان زندگی در کودک نهادینه شده است؛ به‌ویژه

آن هنگام که در عهد طفولیت به همراه پدر به کربلا مشرف می‌شود و گویی همین زیارت، مسیر او را از همان آغاز مشخص می‌کند (خسروی‌راد، ۱۳۷۶: ۱۶).

خاندانی دوست‌دار اهل بیت دادخواه و داغ‌دار اهل بیت
 ... چون دو ساله شد به آیین بهار گلبن امّید گل آورد بار
 تا بداند رمز و راز عشق را هم سفر شد با پدر تا کربلا
 (مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۵۴)

عشق‌ورزی به اهل بیت (ع) به خصوص امام حسین (ع) و تأسی از فرهنگ عاشورایی از زمینه‌های پایداری و استقامت در راه مبارزه، به شمار می‌آید که شوق و حرکتی وصف‌ناپذیر در نهاد انسان آرمان‌گرا می‌آفریند. این نکته یکی از مؤلفه‌های ادبیات دفاع مقدّس به شمار می‌رود:

کربلا را دید و دید از او گرفت عشق را فهمید و آن نیرو گرفت
 عشق را فهمید و شور عشق را عشق را سنجید و نور عشق را
 (همان: ۵۵)

مشفق در این بخش از منظومه با رویکردی غنایی و نیز قاعده‌افزایی از طریق تکرار - که «مهم‌ترین رکن موسیقی میانی را در اشعار جنگ تشکیل می‌دهد» - (قبادی، ۱۳۸۹: ۲۶۸)، واژه «عشق» را پیاپی در آغاز ابیات می‌آورد که در برجسته‌سازی مضمون کلام، تأثیر بسزایی دارد. گویی روح شاعر در غلیان عشق به سرعت به پرواز درمی‌آید و مولوی‌وار، خویش را به بحر موج عشق می‌سپارد و سخنانی وجدآمیز و طربناک درباره عشقی می‌گوید که منشأ تکوین عالم است و نقش‌بند تار و پود کاینات. شاعر نمود و مصداق عینی این عشق را داستان کربلا برمی‌شمرد. بر این پایه، این بی‌تابی و نشاط و پویایی تا پایان زندگی ادامه دارد:

عشق یعنی داستان کربلا داستان خون‌فشان کربلا ...
 عشق یعنی هفت‌بند التهاب در نیستان سؤالی بی‌جواب ...
 عشق یعنی طالب سامان شدن تن نهاده پای تا سر جان شدن ...
 (مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۵۶ و ۵۹ و ۴۶ و ...)

اگر نیک بنگریم، چنین تحول درونی ناشی از عشق و محبت به اهل بیت (ع) و ولایت-پذیری را باید در نهاد خانواده‌ای متعهد و پایبند به شرایع دینی جست‌وجو کرد. اهتمام والدین به تربیت دینی فرزندان، مسیر زندگی او را همراه طراوتی می‌کند که تا واپسین لحظات حیات با او همراه است. آموزه‌های دینی و اسلامی چون انجام فرایض دینی، توکل به خدا، توسل به معصومین (ع)، ولایت‌پذیری و فرهنگ ایثار و شهادت با سلامت و استحکام خانواده در دوران دفاع مقدس پیوندی ناگسستنی دارد (قماشچی، ۱۳۹۱: ۱۵۱).

بازتاب مؤلفه‌هایی چون عشق، ایمان، وحدت، شهادت، ولایت و فرهنگ عاشورا در شعر مشفق به سبب گرایش و دلبستگی خود به این مفاهیم، در دو بخش منظومه نمودار است؛ اما شاعر با برجسته‌سازی این موضوع در توصیف سیره عملی و رفتاری شهید، او را متعالی و آرمانی جلوه می‌دهد؛ به گونه‌ای که مخاطب جذب شخصیت رزمنده می‌شود و او را به‌عنوان اسوه‌ای خداجوی و والا در جهت‌بخشی به زندگانی خویش برمی‌گزیند. بر این اساس، شاعر گام به گام به بیان سیره اخلاقی و عملی شهید در سخن خویش همت می‌گمارد.

۲-۲-۲- همت و اراده

اراده، ادراک، تلاش و مسئولیت‌پذیری است که انسان را از آفریده‌های پروردگار ممتاز می‌سازد و او را درخور تکریم و تعظیم می‌گرداند. مشفق کاشانی در منظومه «هفت‌بند التهاب» انسان را به طور پیوسته مکلف به تحرک و پویایی می‌داند.

همت و تلاش نستوهانه شهید از دوران سربازی به نحو بارزی در ایات مشهود است. این دوره هم‌زمان با آغاز جوانی رزمنده‌ای است پر شور و نشاط که در سال ۱۳۵۶ شمسی به سربازی می‌رود و با اراده‌ای خستگی‌ناپذیر در پادگان و در اوقات مناسب، هم‌دوره‌ای‌هایش را با مسائل اسلامی و وضعیت روز آشنا می‌سازد (خسروی‌راد، ۱۳۸۷: ۱۶) و با تبلیغ مکتب اسلام و دین، زمینه را برای تحریک سربازان- بنا بر پیام امام (ره) مبنی بر ترک پادگان‌ها- فراهم می‌کند (مخدومی، ۱۳۹۰: ۴۵؛ اصلان‌پور، ۱۳۷۶: ۲۰):

سیصد و پنجاه و شش بعد از هزار	سال خورشیدی برآمد برمدار
همت او راه سربازی گرفت	راه سربازی سرافرازی گرفت
در فراغت دوستان را جمع کرد	در شب تاریک کار شمع کرد
نکته‌ها از مکتب اسلام گفت	از حدیث و فقه و از احکام گفت

(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۵۷-۵۸)

از منظر شاعر، به مدد همین اراده است که رزمنده از حصار تن‌رهایی می‌یابد و تا بهشت جاودان پر می‌گشاید (همان: ۷۴).

حسن باقری بعد از پیروزی انقلاب، بنا به دعوت سازمان «أمل» به‌عنوان خبرنگار روزنامه «جمهوری اسلامی» با گروهی دیگر از افراد راهی «لبنان» شد. در آنجا در آموزش‌هایی که برای رزمندگان فلسطینی و لبنانی ترتیب داده می‌شد، حاضر شد و علاوه بر فراگیری، گزارش تحلیلی جامعی از اوضاع نابسامان مسلمانان در آن منطقه تهیه کرد (مخدومی، ۱۳۹۰: ۵۴؛ اصلان‌پور، ۱۳۷۶: ۲۹؛ خسروی‌راد، ۱۳۷۶: ۱۹). او در بازدیدی که از «لبنان» و «فلسطین» انجام داد، پیام امامت را هم به آنان ابلاغ کرد (مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۶۱-۶۰). باقری پس از بازگشت به ایران در روزنامه «جمهوری» به کار مطبوعات مشغول شد و از قلم به‌عنوان سلاحی کارساز و دشمن‌شکن در بیدارسازی مردم بهره گرفت (همان: ۶۰).

نمودهای زیستن عارفانه و عاشقانه حسن باقری در پرتو این زندگی پویا و پرتلاش شکل می‌گیرد. مشفق این نکته را در زندگی شهید چنان برجسته می‌نماید که به حیات این شهید سرفراز صبغه الهی بخشیده است:

کار و کوشش رابه هم پیوند زد بر گل سازندگی لبخند زد
او جهادی بود و سنگر خانه‌اش سنگرستان هنر کاشانه‌اش
پخته بود و در پی خامی نبود خویش را در هر نهادی آزمود
(همان: ۶۳-۶۴)

۲-۲-۳- مناجات با خدا

ذکر و مناجات با پروردگار از مهم‌ترین مراحل سیر و سلوک در تکامل معنوی انسان است. حقیقت ذکر، رهایی از غفلت و نسیان است. از جمله تأثیرات یاد خدا دوری از گناه، شناخت مکاید شیطانی، عشق و محبت به پروردگار و در نهایت رسیدن به شهودی عارفانه است (خوشحال‌دستجردی و کاظمی، ۱۳۹۰: ۳۶-۴۶). این خصوصیت در میان رزمندگان دفاع مقدس نیز بارز بود؛ چنانکه شاعران دفاع مقدس با توجه به جنبه‌های معنوی زندگی رزمندگان در کنار رزم و پیکار، ادبیات منظوم دفاع مقدس را در مضمون و محتوا با عرفان و حماسه پیوند زده‌اند و آنان را در شعر خود، عارفانی پویا و بیدارگرانی نستوه به خواننده معرفی نموده‌اند. مشفق نیز به جنبه حماسی و عرفانی زندگی شهید باقری اشاره دارد. در نگاه شاعر، رزمنده جبهه را مکانی برای خلوت با معبود و شهود اسرار الهی می‌داند:

جبهه را آیینۀ اسرار دید جایگاهی خالی از اغیار دید ...
شب همه شب در نماز و در نیاز روز همچون شیر نر دشمن گداز
(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۶۵)

اظهار عجز و ناتوانی در دعا و نیایش‌های شبانه مردان حق و شجاعت و صلابت آنان در عمل و میدان کارزار، ریشه در روایات و سخن معصومین (ع) دارد. امام علی (ع) دربارهٔ خصال یاران حضرت مهدی (عج) می‌فرماید:

«رَجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوَىٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَىِّ النَّحْلِ يَبْتَئُونَ قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَ يُصْبِحُونَ عَلَى خُيُولِهِمْ رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۰۸؛ مفید، بی‌تا، ج ۱: ۲۰۸).

باقری یکی از این زاهدان شب بود. او در موج دعا و اوج بندگی فراوان می‌گریست (خسروی‌راد، ۱۳۷۶: ۱۰۴ و ۱۳۷).

در دعا و در نماز و در نیاز	با خدای خویشتن می‌کرد راز ...
با دعای حکمت‌آمیز کمیل	دیده در دامن فرومی‌ریخت سیل
پر شد از باران رحمت جام او	در عبادت‌های شب‌هنگام او
در حریم عشق جان در دست داشت	از می عرفان دلی سرمست داشت

(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۶۸)

ذکر گویی شهید همواره و مستدام است؛ چنانکه هنگام شهادت نیز ذکر «یا حسین» (ع) بر لب دارد (بهزاد، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۵).

تا دم آخر سخن از یار گفت	از خدا از لحظه دیدار گفت
بر لب او ذکر یار رب یا حسین	ذکر یارب داشت بر لب یا حسین

(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۷۴)

۲-۲-۴- مبارزه با نفس (جهاد اکبر)

نقطه اشتراک حماسه و عرفان در نبرد با اهریمن تحقق می‌یابد. عارف در سیر طریقت به درون و قهرمان حماسه به نبرد با دشمن بیرون می‌پردازد و هر دو در این مسیر با مجاهدات طاقت‌فرسا و تحمل مصایب کامیاب می‌شوند. از آنجا که یکی از نکته‌های اساسی مبارزه،

هویت دینی رزمندگان است، آنان افزون بر جهاد با دشمن بیرونی به جهاد با نفس برای نیل به معرفت نیز روی می آورند؛ بر این اساس، مجاهدات رزمندگان با معنویت ناشی از اندیشه‌های دینی و عرفانی آمیخته می‌گردد؛ به طوری که سیر و سلوک آنان با برخی از مقامات عرفانی قابل تطبیق است (وحدت و رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۸۳).

مشفق کاشانی با تأکید بر این بخش از جنبه معنوی زندگی شهید باقری بیان می‌دارد که وی پیش از هر چیز با نفس دون مبارزه می‌کند تا بتواند پا در عرصه بیرونی و جهاد با دشمنان خارجی بگذارد و پیروز و کامروا بیرون آید:

پخته چون فارغ ز آب و رنگ شد نفس دون را کشت مرد جنگ شد
آن حسن سیرت حسینی گشته بود لاله باغ خمینی گشته بود
(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۶۵)

از این منظر است که برخی پژوهشگران، وسعت حوزه معنایی ادبیات پایداری را فراتر برده، افزون بر پایداری در برابر دشمن خارجی یا پایداری در مقابل نابرابری‌های جامعه و تلاش برای رفع تبعیض، به پایداری در برابر نفس و جهاد اکبر نیز اشاره نموده‌اند (صهبا، ۱۳۸۷: ۳۱۳). مبارزه با نفس که از مؤلفه‌های اخلاق پایداری است، در باقری به طور عینی مشهود بود؛ به طوری که بر این سخن تأکید داشت که باید روی یک تگه کاغذ این سؤال را از خود پرسیم که «من کیستم؟» و یک علامت سؤال بزرگ هم در کنارش قرار دهم. (جولایی تهرانی، ۱۳۹۰: ۳۰). در نگاه مشفق، وی در نهایت با برون‌رفت از حصار تن بر نفس دون مستولی و لایق عشق می‌شود:

از حصار تن به همت در گشود تا بهشت جاودان شهر گشود
(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۷۴)

با توجه به این نکته، مشفق با تضمین شعر مولوی بیان می‌دارد که این جهان درختی است که انسان‌ها میوه‌های خام اویند؛ چون انسان در مرحله عشق به پختگی و کمال رسید،

عشق کاری می‌کند که ملک جهان بر او سرد می‌شود، زنجیرها می‌گسلد و از تعلق آزاد می‌گردد (همان: ۶۴).

۲-۲-۵- پیروی از رهبر (ولایت‌مداری)

زیباترین نمونه‌های تجلی عشق و محبت به ولایت، در دوران دفاع مقدس ظهور یافت. الگوی مبارزاتی و عقیدتی رزمندگان اسلام در طول جنگ و بعد آن، فراروی داشتن قیام امام حسین (ع) به‌عنوان رهبر نهضت عاشورا بوده که همواره در صدر توجه شعرای دفاع مقدس نیز قرار داشته‌است (امیری خراسانی و آخشن، ۱۳۹۱: ۲۹-۵۸). رزمندگان اسلام با تأسی از فرهنگ عاشورا و عبرت‌های آن با اطاعتی آگاهانه از امام خمینی (ره) در جبهه‌ها حضور می‌یافتند. این مطلب مورد توجه مشفق نیز قرار می‌گیرد. او حسن باقری را یکی از بیداردلان عرصه رزم و جهاد معرفی می‌کند که همواره گوش به فرمان امام و سر بر خط فرمان رهبری داشت:

هر پیامی آمد از سوی امام خواند بی‌پروا برای خاص و عام

(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۵۸)

چون ز ره آمد امام بت‌شکن	گل فروبارید بر خاک وطن ...
موج حزب‌الله از دریای عشق	چشمه‌ها بگشود در صحرای عشق
رهنوردان را رفیق راه شد	هم‌صدا با موج حزب‌الله شد

(همان: ۶۰)

با توکل جنگ را آماده بود دل به فرمان خمینی داده بود

(همان: ۶۹)

عامل اصلی هویت‌بخشی و برتری بر دشمن، ایمان، معنویت، تکلیف‌گرایی و خداخواهی است و باقری بر اساس تکلیف شرعی عمل می‌کند و با توجه به دستور امام، پشتوانه مجاهدت و شهادت‌طلبی خود را حجت شرعی می‌بخشید (ظریف‌منش، ۱۳۹۰: ۳۷).

۲-۲-۶- اطلاع‌رسانی از اخبار جنگ

از جلوه‌های عشق به مردم، خدمت‌رسانی و نقش هدایت‌گری است. انسان خداجوی در مسیر تقرب به سوی خداوند، افزون بر مراقبت از احوال خویش به دور از صوفی‌گری‌های محض، رسالتی دیگر بر عهده دارد که آن دستگیری و ارشاد خلق است. او تنها گلیم خویش از موج به در نمی‌برد؛ بلکه جهد می‌کند تا دست غریق را نیز بگیرد.

شاعر به یکی دیگر از صفات بارز شهید، یعنی اطلاع‌رسانی اخبار جنگ به مردم عادی از طریق گزارش‌نویسی و آگاه‌سازی آنان از فضای حاکم بر جامعه اشاره دارد: (اکبری، ۱۳۹۶: ۱۷؛ اصلان‌پور، ۱۳۷۶: ۴۴).

مدتی در واحد اخبار جنگ با قلم همداستان شد بی‌درنگ
(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۶۸)

۲-۲-۷- امر به معروف و نهی از منکر

از نمودهای دیگر محبت به مردم در شهید باقری، امر به معروف و نهی از منکر است. او خود را متعهد به انجام این رسالت می‌داند و در این راستا با هدف هدایت‌گری و روشن‌نمودن افکار جامعه اهتمام می‌ورزد:

امر بر معروف و نهی از منکرش چون سلاحی بود زیب پیکرش
(همان: ۶۸)

مشفق کاشانی مصداق بارز این خصلت را در گفتارهای شهید، مبنی بر دعوت یاران به اتحاد و یکدلی بیان می‌دارد:

در هماهنگی ز وحدت یاد کرد	خاطر رزمندگان را شاد کرد
گفت وحدت رهگشای راه ماست	نورافشان در دل آگاه ماست
راز پیروزی چراغ وحدت است	لاله شب‌سوز باغ وحدت است
گر نباشد بین یاران اتحاد	این شما و حاصل و توفان و باد

(همان: ۶۲-۶۳)

حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه و نفاق از موضوعات اساسی در منظومه‌های ادبیات دفاع مقدّس است. این موضوع از مؤلفه‌های پایداری در شعر مشفق کاشانی نیز هست؛ به طوری که در بخش اول منظومه هم بدان عنایت دارد (همان: ۲۳-۲۴) و در بخش دوم اثر، آن را از امتیازات دیگر شهید باقری در امر به معروف و نهی از منکر برمی‌شمرد. این سخن با آنچه در بیان هم‌سنگران شهید در ترسیم سیمای معنوی وی آمده، مطابقت دارد؛ بدان صورت که در شرایط دشوار و طاقت‌فرسای عملیات فتح‌المبین که گروهی از تاب و توان افتاده بودند و زمزمه‌های عقب‌نشینی به گوش می‌رسید، شهید باقری با سخنانی وحدت‌بخش میان رزمندگان، مانع پراکندگی و شکست شد و با پیش‌روی به سوی دشمن، موجب تقویت روحیه رزمندگان و شادی و خوشحالی آنان شد (خسروی‌راد، ۱۳۷۶: ۵۸).

۲-۲-۸- توکل در میدان جهاد با دشمن بیرونی

ریشه‌های شجاعت رزمندگان دفاع مقدّس را باید برخاسته از توکل و ایمان دانست؛ زیرا انسان متوکل بر این واقعیت آگاهی دارد که مخلوق، بی‌اراده خداوند به او نفع و ضرری نخواهد رساند. به فرموده قرآن کریم «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ». (طلاق: ۳).

مشفق کاشانی عامل اصلی روحیه مردانگی، نهراسیدن از مرگ و ناچیز انگاشتن خصم را در شهید باقری منبعث از توکل وی می‌داند. در نگاه مشفق، شهید باقری از متوکلان مجاهدی است که توکل را با نیروی همت و تلاش و کار و کوشش پیوند می‌زند؛ چنانکه در منظومه خویش، شخصیت او را در طول دوران زندگانی، پویا و پیشگام در برابر دیدگان خواننده به تصویر می‌کشد. به بیان شاعر، رزمنده پیش از حضور در جنگ نیز، با خواندن اعلامیه‌های امام (ره) برای روشن‌سازی افکار عمومی جامعه و یا در عرصه مطبوعات (مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۵۸ و ۶۱) تلاش می‌کند و پس از آن در میدان کارزار (همان: ۶۹، ۶۲، ۷۱، ۶۷) نیز، این خصوصیت در او ادامه می‌یابد. مشفق، عامل اصلی دلآوری‌های شهید باقری را در میدان نبرد با دشمنان «توکل» می‌داند و با برجسته‌سازی این واژه با بهره‌گیری از قاعده «تکرار» در آغاز پاره‌های بیت، به ترسیم خصوصیت اخلاقی و ممتاز دیگر این حماسه‌آفرین دفاع مقدس اشاره می‌نماید:

ژرف دریا بود در توفان جنگ	مرد مردان بود در میدان جنگ
جبهه هر جا بود پیشاپیش بود	رعد لرزان از شکیباییش بود
با سلحشوران پی گفت و شنفت	در شب پیکار چشم او نخفت ...
با توکل الفتی دیرینه داشت	طور سینا در میان سینه داشت
با توکل زانوی تردید بست	با توکل سد نامردی شکست
با توکل مرگ را ناچیز خواند	زندگانی را به رستاخیز خواند
با توکل لاله در باغش شکفت	در چراغستان گل داغش شکفت
با توکل جنگ را آماده بود	دل به فرمان خمینی داده بود

(همان: ۶۷-۶۹)

باقری بر آن بود که «فرمانده آن کسی است که قبل از رسیدن گردان به منطقه عملیات، پایش به منطقه برسد و قبل از اینکه صدای گلوله‌ها شنیده شود، صدای عراقی‌ها را بشنود.»

(اصلان‌پور، ۱۳۷۶: ۸۴). فرماندهی بود که اوّل خود به خط می‌رفت، بعد بچه‌ها را روانه می‌کرد (جولایی تهرانی، ۱۳۹۱: ۳۲، ۶۴) و همواره در صحنه‌ها پیشگام و پیشتاز بود (خسروی‌راد، ۱۳۷۶: ۳۰، ۱۱۲).

مشفق کاشانی در حماسه شهید باقری با زبان روایی - حماسی و با کم‌ترین بهره‌گیری از صور خیال، به توصیف زندگانی وی در عرصه جهاد می‌پردازد (پورالخاصی، ۱۳۹۲: ۶) و افزون بر تأثیرپذیری از فردوسی، به بیان جلوه‌های ملموس و عینی توانایی این فرمانده دلاور اشاره می‌کند و با ذکر عملیات‌های مهم و سرنوشت‌ساز فتح‌المبین، طریق‌القدس و ثامن‌الائمه، کنش‌های این رزمنده را به حماسه پیوند می‌زند و او را به اسطوره نزدیک می‌کند:

دید در آیینۀ حق‌الیقین	فتح را در جبهه فتح‌المبین
... از طریق‌القدس چون آگاه گشت	با سپاه مردمی همراه گشت
... در نبرد دیگری کامد به پیش	خصم غافل بود از فردای خویش
ثامن معصوم رمز جنگ بود	عرصه بر دیو ستمگر تنگ بود

(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۶۹-۷۰)

۲-۳- شهادت

امید به وعده‌های خدا، خودباوری و برون‌رفت از بحران هویت از آثار فرهنگ شهادت است که با روی‌آوری به این فرهنگ و احدی‌الحسینین می‌توان شور و نشاطی عاشقانه و هدفمند به زندگی بخشید و با قیامی آگاهانه در راه حق به منتهای آمال دست یافت (علی‌اکبری، ۱۳۸۹: ۱۸۱-۱۸۲). به فرموده قرآن کریم، شهادت امری فرح‌بخش است و شهید به جامانندگان این مقام، بشارت امن و امید می‌دهد (آل‌عمران: ۱۷۰-۱۷۱).

بر این پایه است که چنین اندیشه دینی در شعر دفاع مقدس، با تکریم شهید و تبلیغ فرهنگ شهادت راه می‌یابد. گذشته از این، رسالت شاعران دفاع مقدس آن است که با تفسیر و

تأویل صحیح فرهنگ شهادت در سروده‌های خود با تقویت روحیه مقاومت و نشاط، زمینه رشد و بالندگی جامعه و مصونیت از فاصله‌گیری جامعه - به خصوص نسل جوان - را از فرهنگ دینی فراهم آورند و نگرش به موضوع شهید و شهادت را آن‌گونه تبیین نمایند که از کج فهمی و تفاسیر نسنجیده محفوظ بماند.

مشفق کاشانی در منظومه «هفت‌بند التهاب» به طور خاص به تکریم و ستایش شهید باقری می‌پردازد؛ چنانکه در ساختار صوری سخن نیز با تغییر قالب شعر از مثنوی به غزل مردّف به «باقری» - بی آنکه در وزن شعر اختلالی ایجاد شود - در رثای این شهید سرافراز هنرمندانه سخن‌پروری می‌کند:

چون که شد سرتا به پا جان باقری	داد جان خود به جانان باقری
... آفتاب تابناک معرفت	چلچراغ عشق و عرفان باقری
خشمگین چون شیر روز کارزار	زاهد شب در شبستان باقری ...

(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۷۳)

شاعر در ابیات ذیل و با تضمین از غزل مولوی (ف. ۶۷۲) با لحنی آمیخته از حماسه و غنا، شهادت را نشاط‌بخش روح عاشق و عامل پویایی وی در عرصه حیات می‌داند تا آنجا که با آوردن ضمیر «ما» خود و همه آرمانگرایان دفاع مقدّس و ملت انقلابی را با این اندیشه هم‌سو و هم‌دل می‌نماید و پای کوبان خریدار شهادت می‌گردد:

«مرگ اگر مرد است گو نزد من آی	تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ
من از او عمری ستانم جاودان	او زمن دلقی رباید رنگ رنگ
ما شهادت را خریدار آمدیم	پای کوبان بر سر دار آمدیم
کربلا در ماست ما در کربلا	صد نیستان نینوا در کربلا

(همان: ۷۱-۷۲)

از این روی، چون خبر شهادت به مادر حسن هم رسید، «بر پیکر او گریه نکرد و گفت گوارا باد بر تو شهادت» (جولایی تهرانی، ۲۰: ۱۳۹۰). با توجه به این نکته، در شعر مشفق نیز احساسات درونی شاعر همراه با لحن غنایی و عاطفی در توصیف سردار باقری پس از شهادت مشاهده می‌شود:

گرچه در دامن مادر چون پدر	زین مصیبت ریخت خوناب جگر
هم صدا گفتند بر او آفرین	آفرین بر پاک‌فرزندی چنین
بر تو ای فرزندان از یزدان درود	بر تو ای گلگون‌کفن از جان درود
این شهادت مرگ نی، میلاد توست	این شهادت باغ عشق آباد توست

(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۷۵)

چنین بینشی در اشعار شاعران دیگر نیز راه یافته‌است؛ چنانکه در این قمار عاشقانه تهنیت، جایگزین تسلیت می‌گردد:

سلام و تسلیت؛ اما نه، تهنیت. آری! / تو پاکبازترین عاشقی در این آفاق / چه جای آنکه در این راه تسلیت شنوی / قماربازی عاشق که داشت هر چه که داشت / و جز هوای قماری دگر نماندش هیچ ... (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۷: ۴۳).

مشفق در پایان منظومه نیز، بار دیگر به تغییر قالب مثنوی به غزل می‌پردازد و نیز با تکرار واژه «شهید» و برجسته‌سازی این واژه در جایگاه ردیف، در بزرگداشت مقام شامخ شهید سخن را به انجام می‌رساند. نگاه به مفهوم «شهادت» با توجه به آیات قرآن کریم، مبنی بر حیات حقیقی، میهمان ضیافت الهی شدن و ارتزاق از خوان خداوند همراه با بارقه‌های فضل و نعمت و فرجام خوش (آل عمران: ۱۶۹-۱۷۰) در شعر مشفق به خوبی نمایان است:

آسمان گر بشنود نام شهید
در کتاب آفرینش بسته است
گل کند خورشید بر بام شهید
چشمه توفیق در کام شهید ...
بهتر از دیروز او امروز اوست
خوش تر از آغاز انجام شهید ...
بر سر خوان خدا مهمان شدن
جاودان این است فرجام شهید
(مشفق کاشانی، ۱۳۷۶: ۷۵)

مشفق کاشانی با به تصویر کشیدن زندگی شهید حسن باقری و با بهره گیری از ابزار هنر و ادبیات به معرفی صفات ممتاز اخلاقی، دینی و عارفانه این سردار دلاور دفاع مقدس می پردازد تا بدین روش، علاوه بر بیان واقع گرایانه گوشه ای از تاریخ جنگ تحمیلی و نقش حماسه سازان این رویداد عظیم، از او به عنوان سرمشق و نمونه عینی و واقعی بزرگ مردی یاد کند که با همت و اراده و عشق و تکاپو توانست به وظیفه انسانی و الهی خویش در زندگی کوتاه، اما پر برکت خویش در برابر پروردگار عمل نماید و جرعه جام شهود را دریابد.

۳- نتیجه گیری

در این پژوهش با تکیه بر منظومه «هفت بند التهاب» سروده مشفق کاشانی، به بررسی و تبیین سیمای اخلاقی و عملی شهید غلامحسین افشردی (حسن باقری) از منظر شاعر پرداختیم و معلوم شد که مشفق به عنوان شاعر ادبیات دفاع مقدس، زندگی نامه شهید باقری را افزون بر آنکه واقع گرایانه و مستند بر حقایق تاریخی سروده، به جنبه های معرفتی و اخلاقی حیات رزمنده نیز توجه خاص داشته است تا کلامش از بیان یکنواخت گونه ملالت آمیز تاریخی به درآید. او ضمن روایت های تاریخی و مستند، به سخن خود رنگ حماسه می دهد و از دیگرسو با رویکردی دینی و اخلاقی، رزمنده را در سلوکی عارفانه و پویا به خواننده معرفی می کند.

گزارش ولادت، نام گذاری، دوران کودکی و پس از آن دوران سربازی و فعالیت های مستمر در زمینه خبرنگاری و ابلاغ پیام رهبر انقلاب و سرانجام حضور در میدان جنگ تحمیلی

و فرماندهی عملیات‌های مهم جنگی از جمله ثامن‌الائمه، طریق‌القدس و فتح‌المبین، نگاه تاریخی شاعر را شکل می‌دهد.

از منظری دیگر و در نگاه معرفتی، شهید باقری، رزمنده‌ای پویا و تلاشگر است که گذشته از نبرد با دشمن بیرونی و حضور در میدان رزم، با عزمی راسخ به مبارزه با نفس (جهاد اکبر) دست می‌یازد؛ به طوری که در یک سیر صعودی و با قرارگرفتن در موقعیت‌های گوناگون زندگی به تکوین و تکامل جنبه‌های مختلف وجود خویش می‌پردازد. عشق‌ورزی نسبت به پروردگار با مناجات شبانه و ذکر، اردات و محبت به اهل بیت (ع) با یادکرد آنان، همت و تلاش خالصانه در راه نیل به اهداف والای مکتب اسلام، محبت به خلق در قالب فریضه امر به معروف و نهی از منکر، اطلاع‌رسانی اخبار جنگ، پیروی از فرمان رهبر، توکل بر خداوند و شجاعت در صحنه پیکار با دشمنان و در نهایت، رسیدن به مرتبه شهادت از نکات قابل بررسی در ترسیم سیمای شهید باقری در آئینه منظومه «هفت‌بند التهاب» سروده مشفق کاشانی است. می‌توان قبول کرد که بیشترین رویکرد مشفق کاشانی در بخش دوم منظومه در ارتباط با تبیین سیمای شهید باقری از منظر اخلاق و رفتار رزمنده بوده‌است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- آملی، سیدحیدر. (۱۳۹۵). **تأویل و تفسیر قرآن از نظر علامه سیدحیدر آملی**. ترجمه نستوه جهان‌بین. تهران: نشر علم.
- اصلان‌پور، سمیرا. (۱۳۷۶). **چشم جبهه‌ها** (خاطراتی از سردار سرلشکر پاسدار شهید غلامحسین افشردی). کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه و ۳۶ هزار شهید استان تهران. تهران: کمیته انتشارات. افشردی، محمدعلی. (۱۳۹۲). «**مؤمن، مردمی، فروتن و انسان‌دوست بود**» (ناگفته‌هایی از زندگی شهید باقری). شاهد یاران. فروردین و اردیبهشت، ش ۹۱-۹۰، صص ۶۳-۷۵.
- اکبری، علی. (۱۳۹۶). **من اینجا نمی‌مانم** (خاطراتی از شهید غلامحسین افشردی). چاپ ۸. تهران: یازهرا (س).
- امیری خراسانی، احمد؛ آخشن، قدرت. (۱۳۹۱). «**اسوه‌های مذهبی در شعر دفاع مقدس**». ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. س ۴، ش ۷، صص ۵۸-۲۹.
- بانی نصرآبادی، علی. (۱۳۹۱). «**الگوهای معنوی و مدیریتی در سیره فرماندهان نمونه دفاع مقدس**». حصون. فروردین - اردیبهشت، ش ۳۵، صص ۳۵-۵۵.
- بختیاری‌دانشور، داوود. (۱۳۸۷). **مسافر: براساس زندگی شهید غلامحسین افشردی (حسن باقری)**. چاپ ۵. تهران: سوره مهر، بنیاد شهید انقلاب اسلامی، نشر شاهد.
- بهزاد، حسین (۱۳۸۴). «**انسان رزمنده، شهید**»، سوره اندیشه. اردیبهشت، ش ۱۶. صص ۷۲-۷۵.
- بیان معمار، سیداحمد. (۱۳۸۹). «**مروری بر فرهنگ ایثار و شهادت (با رویکرد نسل جدید)**». مجموعه مقالات ترویج فرهنگ ایثار و شهادت. جمعی از نویسندگان. قم: دانشگاه قم. صص ۷۳-۸۷.
- پورالخاصی، شکرالله؛ صادقی، سیدمهدی. (۱۳۹۲). «**دفاع مقدس در آینه مثنوی‌های انقلاب اسلامی**». ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان. ش ۸، بهار و تابستان، صص ۱-۲۶.
- جولایی تهرانی، محمدحسین. (۱۳۹۰). **کلید نقره درهای بیداری**. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

- جولایی تهرانی، محمدحسین. (۱۳۹۱). **صدای پای آب**. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدّس.
- خسروی راد، محمد. (۱۳۷۶). **چشم بیدار حماسه: خاطراتی از سرلشکر پاسدار شهید حسن باقری**. تهران: معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خوشحال‌دستجردی، طاهره؛ کاظمی، مرضیه. (۱۳۹۰). «تأثیر تکامل‌بخش ذکر در سلوک الی‌الله». ادبیات عرفانی دانشگاه الزّهرّا. سال ۲، ش ۴، بهار و تابستان، صص ۶۳-۲۹.
- دهقان، احمد. (۱۳۹۲). **روزنوشت: یادداشت‌های روزانه شهید حسن باقری**. تهران: مرکز نشر آثار شهید حسن باقری.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۷). **از بودن و سرودن**. تهران: توس.
- شیرازی‌نیا، محمد. (۱۳۹۲). «مسیر را برای پیشرفت همه افراد باز می‌کرد (بررسی سیره عملی و کاری شهید باقری)». شاهد یاران. ش ۹۰-۹۱، فروردین و اردیبهشت، صص ۴۶-۵۳.
- صهبا، فروغ. (۱۳۸۷). «شعر پایداری هنر مبارزه با دشمنان سه‌گانه». نامه پایداری (مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری). به اهتمام احمد امیری خراسانی. صص ۳۱۳-۳۲۲. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس.
- ظریف‌منش، حسین. (۱۳۹۰). «شهید باقری اسوه ناشناخته در آمدی بر الگوی فرماندهی و مدیریت». فرماندهان دفاع مقدّس، شهید حسن باقری (مجموعه مقالات، سخنرانی‌ها و دست‌نوشته‌ها). به اهتمام سعید سرمدی. صص ۳۷-۸۹. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز اسناد دفاع مقدّس.
- علی‌اکبری، راضیه. (۱۳۸۹). «اینار و شهادت و جهانی‌شدن». مجموعه مقالات ترویج فرهنگ اینار و شهادت. جمعی از نویسندگان. قم: دانشگاه قم. صص ۱۶۹-۲۱۰.
- فرهنگ اسلامی. (۱۳۹۳). «مشفق کاشانی درود و بدرود». ش ۱۹، بهمن، صص ۹۲-۸۷.
- قبادی، حسینعلی. (۱۳۸۹). **ادبیات فارسی، انقلاب اسلامی و هویت ایرانی**. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

- قماشچی، فردوس. (۱۳۹۱). «الگوی مطلوب خانواده با تأکید بر خانواده در دوران دفاع مقدس». فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج. س ۱۵، ش ۵۷، صص ۱۵۴-۱۱۷.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحار الانوار الجامعه لدُرر اخبار الائمه الاطهار*. (دوره ۱۱۰ جلدی). الطبعة الثالثة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مخدومی، رحیم. (۱۳۹۰). *لوطی و آتش* (براساس زندگی شهید حسن باقری). چاپ ۳. تهران: صریر.
- مشفق کاشانی، عباس. (۱۳۷۶). *هفت بند التهاب، منظومه‌ای در رثای سرلشگر پاسدار شهید حسن باقری (افشردی)*. تهران: کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه و ۳۶۸ هزار شهید استان تهران.
- مفید، محمدبن محمد. (بی تا). *الاختصاص*. (دوره ۲ جلدی). مصحح و علقه علی اکبر غفاری. الطبعة الاولى. قم: النشر الاسلامی.
- وحدت، مهدی؛ رحیمی، امین. (۱۳۹۵). «تطبیق مجاهدت‌های رزمندگان بر سیر و سلوک و برخی مقامات عرفانی در شعر دفاع مقدس». ادبیات انقلاب اسلامی (ویژه‌نامه فرهنگستان). ش ۳، صص ۱۸۱-۱۹۶.